

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۷۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

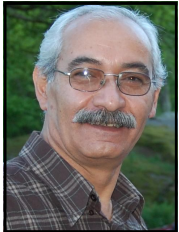
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۸ تیر ۱۳۹۰، ۲۹ ژوئن ۲۰۱۱

سردبیر: عبدال گلپریان

مظفر محمدی و داستان بورژوازی غیر ناسیونالیست، احزاب ناسیونالیست غیر بورژوا



عبدال گلپریان

ناسیونالیست کرد بر مبنای
سرمایه و ایدئولوژی تقسیم بندی
شده اند. او می گوید:

صفحه ۳

مطلبی تحت عنوان "شادمانی کردهای منطقه! در حاشیه انتخاب ۳۶ نماینده کرد به پارلمان ترکیه" نوشته مظفر محمدی، من را بر آن داشت که در رابطه با نگرش او در برخورد به احزاب ناسیونالیست و بورژوازی کرد نکاتی را بگویم.

بدون مقدمه سر راست به اصل موضوع می پردازم

در قسمتی از این نوشته، جریانات، شخصیتها و احزاب

تقلای ناسیونالیستها و قومپرستان برای مقابله با جنبش آزادیخواهانه مردم ایران

به عهده گرفته است. زیرا ائتلاف جمهوری خواهان شامل اکثریتی توده ای و شریعتمداری... است. گزارش فوق اعلام کرده است کسانی که در این کنفرانس شرکت کرده اند: شهیار آهی به عنوان نماینده رضا پهلوی، خالد عزیزی دبیرکل حزب دمکرات کردستان، حسن شریعتمداری از جانب جمهوریخواهان، شاهو حسینی نمایند حزب دمکرات کردستان ایران، عبدالله مهتدی از سازمان زحمتکشان، محسن سازگارا یکی از بنیان گزاران سپاه پاسداران و نماینده اصلاح طلبان، سعید عبدیان

صفحه ۲



محمد آسنگران

طبق گزارش سایت العربیه جریانات قومپرست کرد و عرب و آذری همرا با نماینده رضا پهلوی به عنوان رهبر و یا چهره شاخص ناسیونالیستهای پرو غرب و تعدادی از اصلاح طلبان در مورد آینده ایران در یک کنفرانس مشترک شرکت کرده

اند. سایت العربیه نوشته است: "این کنفرانس که توسط " دفتر مطالعات ایران و عرب " روز یکشنبه ۲۶ - ۶ - ۲۰۱۱ برگزار شد برای اولین بار سلطنت طلبان، جمهوری خواهان، راستگرایان، چپ گراها، لیبرال ها، اصلاح طلبان و همچنین رهبران احزاب و شخصیت های قومی را دربرگرفت." البته این سایت نگفته است چه کسی به عنوان چپ آنجا شرکت کرده است. احتمالا منظورشان از چپ دارو دسته های اکثریت و توده ای باشد که شریعتمداری معمولا نمایندگی آنها را در چنین جلساتی

در همبستگی با مردم قهرمان سوریه!



اصغر کریمی

مردم ایران که در سال ۸۸ قهرمانانه علیه جمهوری اسلامی بپا خاستند و در واقع پیشسقراولان انقلابات شورانگیز مردم تونس و مصر و سوریه و کشورهای دیگر بودند، با شما مردم انقلابی سوریه اعلام همبستگی کنم. ما به همراه مردم ایران قاطعانه در کنار شما ایستاده

صفحه ۲

مردم شریف و انقلابی سوریه! مبارزات شکوهمند و شجاعانه شما علیه یکی از وحشی ترین سرکوبها و حکومتهای معاصر، ستایش و همبستگی همه مردم جهان را برانگیخته است. اما مردم ایران با دقت و علاقه وافر تلاش شما زنان و مردان سوری برای رهایی از شر حکومت بشار اسد و باند جنایتکار حاکم بر سوریه را دنبال میکنند. چرا که دولت سوریه متحد جمهوری اسلامی است و سرنگونی هریک از حکومت های دمشق یا تهران موج شادی و پیروزی را بیش از همه جا در بین مردم تحت ستم ایران یا سوریه بر خواهد انگیزخت. اجازه میخواهم به نمایندگی از

از فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده حمایت کنیم

صفحه ۵

مادران علیه اعدام

صفحه ۴

صدها نفر در مراسم بزرگداشت محمد و عبدالله فتیحی شرکت کردند

صفحه ۴

کارگران نساجی پر ریس سنندج ۷ ماه بدون حقوق

صفحه ۵

دو کارگر مهاجر در رودخانه سیروان غرق شدند

صفحه ۵

احضار یدالله قطبی از دستگیر شدگان اول ماه مه ۱۳۹۰ سنندج

صفحه ۵

کارگر ۱۴ ساله ای دچار حادثه شد

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تقلای ناسیونالیستها و قومپرستان ...

از صفحه ۱

از قومپرستان عرب، و صدر اشرافی از قومپرستان آذری بوده اند. اولین سوالی که مطرح است این است این جریانات برای چه هدفی دور هم جمع شده اند. شرکت کنندگان اعلام کرده اند به هدف توافق و هم‌نظری در مورد نظام آینده ایران در این کنفرانس شرکت کرده اند. همچنانکه خواننده ملاحظه میکند جواب سر راست و صریح است.

آنها جمع شده اند که احزاب قومی، ناسیونالیستهای پرو غرب و اصلاح طلبان و قومپرستانها به توافقی نایل آیند که نظام آینده ایران را شکل بدهند.!

اما سوال واقعی و موضوع اصلی چیزی فرای این است. همه این جریانات و از جمله همه جریانات و کسانی که در کمپ راست قرار گرفته اند و به دلایل مختلف در این کنفرانس نبوده اند صدای الرحمن رژیم جمهوری اسلامی را شنیده اند. همه این کمپ نگران این هستند که مردم معترض و آزادیخواه را چگونه مهار کنند که کنترل از دست آنها خارج نشود. در واقع این کنفرانس برای توافق و هم‌نظری کل کمپ راست و ضد انقلاب علیه انقلاب است.

آنها میخواهند به توافقی برسند که در مرحله اول زیر علم موسوی و کردی رژه بروند و در قدم بعدی به کمک آمریکا و متحدینش حکومتی از نوع کرزای و مالکی را به مردم ایران بفرشند. این هدف اصلی آنها و توصیه وزارت خارجه آمریکا است که در یک جبهه توافق، کرسی ها را در میان خود تقسیم کنند و تلاش کنند بعد از جمهوری اسلامی مردم و شهروندان "عوام" میدان دار نشوند. زیرا به زعم آنها هرج و مرج میشود و دستگاههای سرکوب و مراکز امنیتی مورد تعرض قرار میگیرند. این توافق و چک و چانه زدن امروز امتیاز دهی و امتیاز گیری کمپ ضد انقلاب و راست برای مقابله با مردم کوچه و خیابان در فردا است که به جنب و جوش افتاده است.

کمونیستها و انقلابیون و فعالین جنبشهای اجتماعی باید هشیار باشند. ناسیونالیستها و قومپرستان و اصلاح طلبان منافعی مشترک در

و به این اعتبار تلاش این جریانات ضد انقلابی برای برپایی چنین حکومتی مستعجلی هم تاریخا عمرش تمام شده است. اما اگر مردم آزادیخواه و جنبش کارگری هشیار نباشند این تلاشها میتواند توهماتی را ایجاد کند.

با این حال در ایران يك جریان چپ قوی و مطرح در میدان سیاست نقش ایفا میکند که در عراق و افغانستان چنین نبود. دوما رهبران و سخنگویان جنبشهای اجتماعی و بیش از همه جنبش کارگری، روشن و صریح آلترناتیو مورد نظر خودشان را در قطعنامه ها و پلاتفرمهایشان به جامعه اعلام کرده اند و به این معنا چپ در يك بعد اجتماعی نیرویی قوی و يك انتخاب واقعی مردم است.

اما با همه این اوصاف این جریانات و بویژه ناسیونالیست پروغرب میتوانند جریاناتی خطرناک برای آینده ایران باشند.

ناسیونالیستها از این شانس برخوردارند که همه اصلاح طلبان و قومپرستان و جریانات اسلامی ناراضی را با امتیازاتی محدود و کنترل شده در زیر چتر خود گرد آورده و شانس برگشت به قدرت خود را امتحان کنند.

در مقابل این خطر و در مقابل آغاز دوران سیاه دیگری بعد از جمهوری اسلامی، چپها و کمونیستها باید این موضوع را جدی بگیرند. باید راههای اجتماعی مقابله با این جریانات ضد انقلابی را تقویت کنند. باید از همه توان و قدرت چپ در جامعه استفاده کرد و اجازه نداد این سیکل معیوب ناسیونالیسم-اسلامیسم- و باز هم ناسیونالیسم... تکرار شود. این سیکل که هر بار جناحی از بورژوازی حاکم مورد تعرض قرار میگیرد، جناح دیگر همین طبقه ناراضی میشود و قدرت را به جای او قبضه میکند، سرنوشت محتوم مردم ایران نیست. مردم ایران میتوانند این دایره شوم طبقات دارا را درهم بشکنند و اعلام کنند این بار نوبت ما مردم تحت ستم نوبت ما کارگران و همه شهروندان آزادیخواه و برابری طلب است.

از صفحه ۱ در همبستگی با مردم ...



ایم و جنایات هولناک حکومت و ارتش اسد علیه شما را قویا محکوم میکنیم. ما میدانیم که رژیم اسلامی ایران هر آنچه که در توان داشته است در حمایت از رژیم سفاک اسد و جریانات جنایتکار اسلامی نظیر حماس و حزب الله لبنان بکار برده و بکار میبرد. ما همواره این محور جنایت و ترور اسلامی بسرکردگی جمهوری اسلامی را محکوم کرده ایم و از مبارزات مردم فلسطین و تحت حاکمیت این باندهای جنایتکار دفاع کرده ایم. ما اعتقاد داریم مردم چه در قاهره و دمشق و چه در تهران و بغداد و چه در مادرید و آتن هم سرنوشت اند و باید از شر همه دیکتاتورها و نظام سرمایه داری که مولد آنهاست رها شوند. لذا هنگامی که شما زیر رگبار گلوله و حملات تانک های رژیم اسد پرچم جمهوری اسلامی را به آتش میکشید در عین حال دارید حرف دل مردم ایران را میزنید. هراندازه که مبارزه و انقلاب شما ریشه های استبداد و ارتجاع و بی حقوقی در سوریه را بیرون کشد، هر اندازه که شما در برقراری آزادی و برابری و رفاه و يك حکومت سکولار و مستقیمی برآمده از اراده مردم انقلابی پیش روید، به همان درجه تلاش توده های پیاخاسته در همه جا و بویژه مبارزه مردم ایران علیه رژیم جنایتکار اسلامی را تقویت خواهید کرد.

بار دیگر به نمایندگی از سوی تک تک اعضاء و دوستداران حزب و همه زنان و مردانی که شب و روز برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکنند، به شما مردم انقلابی و قهرمان سوریه درود میفرستم و برایتان مشتاقانه در مبارزه برای سرنگونی رژیم جنایتکار و سفاک بشار اسد آرزوی پیروزی میکنم.

اصغر کریمی،
رئیس هیات دبیران
حزب کمونیست کارگری
۲ تیر ۱۳۹۰، ۲۳ ژوئن
۲۰۱۱

از این فرصت استفاده کرده و از مردم ایران و بویژه زنان و

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

۲۷ ژوئن ۲۰۱۱

داستان بورژوازی غیر ناسیونالیست...

از صفحه ۱

"بنا براین سرمایه دار کرد دلیلی ندارد برای پیروزی طالبانی شیرینی پخش کند و یا از تحولات انتخاباتی در ترکیه شادمان باشد. بورژوازی کرد سرمایه و سودش را از "گردایه تی" بیشتر دوست دارد. اول سرمایه دار است و سود می خواهد، هر کجا این تامین شد جایش آنجا است. و این جا و مکان و منفعت در چارچوب جمهوری اسلامی تامین و محفوظ است. در نتیجه رژیم جمهوری اسلامی رژیم سیاسی او هم هست. منفعت بورژوازی کرد در چارچوب رژیم و در تهران است نه در اربیل و بغداد و نه در پارلمان ترکیه در آنکارا. اینکه بورژوازی کرد و نمایندگانشان در پارلمان و غیره، در کنار کدام جناح رژیم قرار می گیرند هم تغییری در اصل مساله نمی دهد."

در جای دیگری می گوید: "با توجه به این واقعیت‌های چون روز روشن و آشکار طبقاتی، اساسا بازار ناسیونالیسم، گردایه تی و قوم پرستی در میان طبقات اصلی جامعه کردستان (بورژوازی و پرولتاریا) کساد است. احزاب ناسیونالیست و روشنفکران ناراضی کرد با اتکا به اقشاری از خرده بورژوازی ناراضی و محافظی از دانشگاهیان ناسیونالیست کرد در دانشگاه‌ها که بین طبقات اصلی جامعه در نوسان اند، دنبال قربانی و سمپات و دنباله رو خود می گردند و نهایتا در شکاف اختلافات جناحی جمهوری اسلامی سرباز جناح اصلاحات و جنبش سبز اند."

به کلیت نکاتی که از نوشته او در بالا آورده ام یکجا می پردازم.

مظفر محمدی معتقد است که سرمایه دار کرد به دنبال پولش است و ناسیونالیست نیست. احزاب کرد ناسیونالیست هستند اما بورژوازی و نماینده آنها نیستند. این بیشتر توهم مظفر محمدی است تا حرف دل سرمایه دار کرد و احزاب ناسیونالیست. اگر اختلافاتی بین بخشی از بورژوازی و این احزاب هم باشد امروز در زیر فشار رژیم حاکم است که این چنین فرموله میشود اگر نه در شرایط عادی همه اینها

است. این درک و نگرشی مکانیکی و دلخواهی است و هیچ ربطی به روند سیاسی و تاریخی نقش و موقعیت بورژوازی کرد و احزاب ناسیونالیست آن در بازار سود و سرمایه ندارد و از سوی ریختن آب پاکی بر دست مخرب و ویرانگر ایدئولوژی و تفکر ناسیونالیسم کرد است. چرا که بزم او چون سرمایه دار کرد کاری به "گردایتی" ندارد پس خوش خیم ترین بخش آن است. فراکسیون کرد و جبهه متحد کرد و امثال بها ادب اساسا بر محور ملیت و ناسیونالیسمشان شکل گرفتند. بعد از شکل گیری این دستجات، به موازات تولید و بازتولید سود و سرمایه شان، مدام در اشکال مختلف آرا و افکار ناسیونالیسم کرد را ترویج می کردند. روزنامه، برنامه تلویزیونی، شاعر و نویسندگان خود را داشتند. بورژوازی کرد هم علیرغم دسترسی به بخشی از استثمار آن جامعه اما هنوز خود را تحقیر شده میدانند. برای جبران این تحقیر به تفکرات مشمئز کننده ناسیونالیستی اش نیاز دارد، آترا باد میزند، مظلوم نمایی می کند و خود را نماینده و سخنگوی ملت زیر دست معرفی می کند تا بلکه سهم بیشتری از سرمایه و سود را صاحب شود.

در ثانی معلوم نیست چرا سرمایه دار کرد هیچ دلیلی برای شیرینی پخش کردن در پیروزی طالبانی و یا تحولات انتخاباتی در ترکیه نباید داشته باشد؟ در بالا اشاره کردم که سرمایه دار کرد برای باز تولید همین سود و سرمایه نیازمند موقعیت سیاسی در قدرت است، نیازمند داشتن نمایندگانی در پارلمان است. چه سرمایه دار کردی که در سود و سرمایه شریک است و چه احزاب ناسیونالیست کرد، همگی به یکسان از تامین و تضمین کوچکترین موقعیت سیاسی، از خودمختاری گرفته تا حضور در پارلمان و غیره غافل نیستند و خود را سهم می دانند چون تنها با آویزان شدن به مسئله قدرت و سیاسی کردن مسئله ملی است که می توانند افق و آینده سود و سرمایه خود و استثمار کارگر کرد را تضمین کنند. بجز در کردستان عراق که احزاب ناسیونالیست کرد با جریانات ارتجاعی مذهبی توانستند به یمن یک شرایط تاریخی معین و بقیمت

خانه خرابی مردم بقدرت برسند که امروز بعد از بیست سال عفونت و گندیدگی آن، مشام هر انسانی را آزار می دهد این افق بیش از پیش به بن بست رسیده است.

نوشته ایشان در تقسیم بندی به سرمایه دار کرد و احزاب ناسیونالیست خلاصه شده است معلوم نیست که این تفکیک دلخواهی از کجا آمده است که گویا سرمایه دار کرد که اکنون دارد می چابد و استثمار می کند، چرا باید از "گردایتی" بدش بیاید؟ ایدئولوژی و تفکر ناسیونالیستی را اگر از سرمایه دار کرد بگیریم، دیگر مقوله ای به اسم سرمایه دار کرد نخواهیم داشت. بالاتر اشاره کردم که سرمایه دار کرد به یمن سیاسی کردن مسئله ملی و همان "گردایتی" است که در جستجوی سود و سرمایه اش است. اگر از نظر سیاسی تفکرات ناسیونالیسم متکی بر ستم ملی و قوم پرستی و مسئله ملی را ارزش بگیریم، در بعد اقتصادی و برای کسب سود و سرمایه موضوعیتی نخواهد داشت معلوم نیست چرا سرمایه در ابعاد سراسری باید بهش آوانس ویژه ای بدهد؟ چرا باید باهاش به مصالحه و مذاکره پردازد؟ انگار بورژوازی کرد که اکنون سهم در سود و سرمایه است کاری به "گردایتی" و بنیادهای فکری و مخربی که می تواند جامعه را مسموم کند ندارد. افکار و ایدئولوژی ناسیونالیسم ضامن بقای سود و سرمایه برای سرمایه دار کرد است. ناسیونالیسم سنگ بنا و پایه های هویت فکری سرمایه دار کرد است که با سوار شدن بر یک معضل اجتماعی و تاریخی، معضلی بنام ستم ملی که نه تنها رسالتی در حل آن ندارد بلکه فقط تداوم دهنده این درد اجتماعی است، برای سهم خواهی در قدرت و با اتکا به تفکرات ناسیونالیستی و برای سهم شدن در سود و سرمایه با بورژوازی بالا دست به چانه زنی می پردازد و با افق ویرانگر ناسیونالیسمش و با رواج تفرقه قومی و غیره، ظرفیت به تباهی کشانیدن جامعه بعنوان تهدیدی برای دست یابی به سود و سرمایه را هم با خود بک می کشد. احزاب و نیروهای اپوزیسیون و غیر اپوزیسیون ناسیونالیست، از ناراضیان و انجمنهای مختلف و دیگر شاخه های آن، همگی یکدست

رواج دهنده افکار و آرای ناسیونالیسمی هستند که بر بستر آن سود و سرمایه سرمایه دار کرد در استثمار کارگر کرد را جستجو می کنند. در یک کلام باید گفت که ناسیونالیسم اسلحه سرمایه دار کرد است.

همین احزاب ناسیونالیست و روشنفکران ناراضی کرد و متکی به اقشاری از خرده بورژوازی ناراضی و محافظی از دانشجویان ناسیونالیست کرد در دانشگاهها که مورد اشاره او است، برای ترویج و تئوریزه کردن خط، افق و سیاست و اهداف بورژوازی کرد تلاش می کنند. اینها شاخه های فکری و ایدئولوژیک بورژوازی کرد برای گرم نگاه داشتن انواع تفکرات ناسیونالیستی در جامعه هستند. با همین حربه و اسم رمز "گردایتی" و غیره بود که جلال طالبانی و مسعود بارزانی در کردستان عراق ۲۰ سال است سود و سرمایه های میلیاردری بهم زده اند. جلال طالبانی و مسعود بارزانی بعنوان حاکمان در قدرت که ۲۰ سال است مشغول انباشت سود و سرمایه از گرده کارگر و هستی جامعه هستند، مگر به نتایج این انتخابات تبریک نگفته اند؟ این تبریکاتی به "گردایتی" و به ناسیونالیسم کرد است. گردایتی و ارتجاعی ترین تفکرات ناسیونالیستی بعنوان ملزومات تامین نیاز سرمایه برایشان مقدس و حیاتی است. اکنون نیز حضور تعدادی "نماینده کرد" در پارلمان ترکیه قرار نیست مترسکهایی بر روی صندلی های پارلمان ترکیه باشند، قرار هم نیست مابین بورژوازی کرد و کارگر کرد ترکیه در نوسان باشند. اینها نمایندگان خط فکری و ایدئولوژی ناسیونالیسم هستند که سرمایه دار کردی که در قدرت است و رئیس جمهور یک مملکت هم هست بهشان تبریک گفته است. چرا باید کاری به کار آنها نداشته باشد. گردن کلفت ترین سرمایه دار کرد در قامت رئیس جمهور یک کشور به گردایتی بیش از اینها کار و نیاز دارد.

اگر هم ناسیونالیستهای ناراضی کرد در کردستان ایران ابراز شادمانی می کنند و شیرینی پخش می کنند بخاطر تامین آینده همین سود و سرمایه در فدای آویزان شدن به نان و نوایی است که این شانس را چپ و

صدها نفر در مراسم بزرگداشت محمد و عبدالله فتحی شرکت کردند



روز پنجشنبه دوم تیرماه صدها نفر از مردم شهرهای اصفهان و شاهین شهر و شهرهای اطراف آن در مراسمی حضور یافتند که چهل روز بعد از اعدام محمد و عبدالله فتحی بر سر مزار آنها سازمان یافته بود.

مزدوران حکومت اسلامی، خانواده داغدار فتحی را تحت فشار گذاشته بود که هیچ مراسمی برگزار نکنند. آنها اجازه نداشتند اطلاعیه داده و مردم را به مراسم دعوت کنند. سنگ قبری که خانواده فتحی تهیه کرده و روی آن شعری حک شده بود، با دخالت حکومت، باید به نحوی مجدداً تهیه میشد که هیچ شعری و یا نوشته‌ای روی سنگ قبر نباشد. حکومت اسلامی حتی از برگزاری مراسم و حضور مردم بر سر مزار اعدام شدگان هم وحشت دارد.

علیرغم این تمهیدات جنایتکارانه و فاشیستی، طبق اخباری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، فقط از یک شهر نزدیک به شاهین شهر، صد نفر از مردم دسته جمعی راهی مراسم شده و با وجود اینکه رژیم تلاش میکرد مراسمی برگزار نشود، در همان نزدیک مزار عبدالله و محمد، صندلیهایی را در فضای آزاد قرار داده بودند تا مهمانان همانجا را به یک مراسم گرامیداشت با شکوه تبدیل کنند. صدها نفر نیز از شهرهای دیگر خود را به محل مراسم رساندند. خانواده فتحی طی تماسی با کمیته بین المللی علیه اعدام گفتند که افراد فامیل ما ۲۰ نفر بودند و صدها نفر مردم معترض و منزجر از اعدام اساساً به دعوت رسانه‌هایی که فراخوان به مراسم داده بودند در آنجا حضور یافتند تا با ما همدردی کنند و به اعدام اعتراض کنند. یکبار دیگر جوانان با شعر و آهنگهای رزمی یاد محمد و عبدالله فتحی را گرامی داشتند و عکس بزرگ هر دو برادر روی دست مردم حمل میشد.

همزمان با این مراسم در شهر فرانکفورت آلمان به دعوت کمیته بین المللی علیه اعدام در فرانکفورت، یاد ندا آقا سلطان و محمد و عبدالله فتحی با یک تجمع و اعتراضی در مرکز شهر و سپس پرتاب کردن گل به رودخانه راین مابین گرامی داشته شد.

مهوش علاسوندی مادر محمد و عبدالله فتحی روز پنجشنبه ایجاد نهاد "مادران علیه اعدام" را اعلام کرد که هدف آن مقابله با اعدام در ایران است. او در پیام خود گفته است که "ما باید متحدانه مانع شویم مادران بیشتری این درد و غم جانکاه را تجربه کنند که عزیزان آنها اعدام شوند".

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که به اقدامهای گسترده در ایران اعتراض کرده و به هر طریق ممکن، صدای اعتراض مادران علیه اعدام را به گوش جهانیان برسانند.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۵ ژوئن ۲۰۱۱
۴ تیرماه ۱۳۹۰

مادران علیه اعدام

من مهوش علاسوندی که دو فرزند رشیدم، چهل روز قبل به اتهام محاربه اعدام شدند، دست یاری بسوی مادران و پدران و خانواده‌هایی دراز میکنم که چنین جنایتی در مورد آنها نیز انجام گرفته و عزیزترین کسان آنها به دست حکومت اسلامی اعدام شده‌اند. ما نباید سکوت کنیم. ما باید دست به دست هم دهیم و از دنیا بخواهیم که به این جنایات رسیدگی شود.

در دو سال گذشته و پس از انتخابات دروغین، مادران دیگری هم هستند که با این فاجعه روبرو و فرزندان‌شان توسط عوامل رژیم جمهوری اسلامی ترور و یا اعدام شده‌اند.

در سی و دو سال گذشته و بخصوص در دهه شصت مادرائی بوده و هستند که هنوز رنج و درد این زخم عمیق بر جان آنها سنگینی میکند. مادرائی که عزیزانشان در گلستان خاوران و خاورانهای گمنام همچنان بی نام و نشان بخاک سپرده شده‌اند.

من از همه خانواده‌ها و بویژه مادران داغدار درخواست می‌نمایم که به یاری من آمده، تا با تشکیل یک نهاد علیه اعدام به نام "مادران علیه اعدام" و مبارزه علیه اعدام در سراسر دنیا بخصوص در کشور اشغال شده مان ایران از فاجعه‌ای که بر ما رفته است درس گرفته و با سعی و تلاش مداوم و مبارزه همه جانبه علیه این قتل دولتی، دیگر شاهد روی دادن این ظلم فجع و ضد انسانی برای خانواده و مادر دیگری نباشیم. من بدینوسیله تشکیل نهاد مادران علیه اعدام را اعلام نموده‌ام و از همه تقاضای همکاری دارم. برای تماس و ثبت نام و اعلام هر نوع همکاری با این نهاد از کلیه مادران و خانواده‌ها، احزاب و سازمانها ... در سراسر دنیا می‌خواهم که با نشانی ذیل تماس حاصل نمایید:

madaranalaiheda@gmail.com

تلفن تماس:
+4915778826480
ایمان شیرعلی

داستان بورژوازی غیر ناسیونالیست ...

از صفحه ۳

آزادیخواهی در کردستان ایران از شان گرفته است. این جریان با شادی و سرورشان نوید بخش تبلیغات و سموم تفکرات ناسیونالیستی برای تضمین سود و سرمایه کل بورژوازی کرد هستند. بنابراین چندین بخش ناسیونالیسم نداریم، ناسیونالیسم خوب و بدی در کار نیست. مظفر محمدی متفکرین بورژوازی کرد در قامت احزاب، روشنفکران ناراضی و دانشجویان ناسیونالیست کرد را بعنوان بخش یا قشری از جامعه معرفی می‌کند که مابین طبقات

برای آن بخشی از بورژوازی کرد که نقش نظریه پرداز گرایش ناسیونالیستی را در افکار و در عرصه سیاست برعهده دارد. معلوم هم نیست که چرا باید ابراز شادمانی و تبریک گفتن جلال طالبانی، مسعود بارزانی و مصطفی هجری و دیگر خیل جریانات و شخصیت‌های ناسیونالیست کرد برای ایشان جای تعجب باشد. تنها کسی از تبریک گفتن این جماعت انگشت به دهان می‌ماند که خود را در بین طبقات اصلی در جامعه کردستان در نوسان ببیند. طبیعی و واقعی است که هر بخشی از جریانات ناسیونالیست

کرد چه در اپوزیسیون و چه در قدرت، منافع مشترکی دارند و باید انتخاب این نمایندگان را جشن خود بدانند چون در افق و اهداف با هم سهیم هستند. اینها اجزای یک تن واحد هستند. کارگران و مردم آزادیخواه کردستان ایران کوچکترین توهمی به شادی و نشاط جریانات ناسیونالیست و حاشیه‌ای در صف بورژوازی کرد را ندارند. کارنامه احزاب و جریانات ناسیونالیست بویژه آن بخشی که در کردستان عراق ۲۰ سال است در قدرت است، معرف حضور افکار عمومی، کارگر و توده مردم ستم‌دیده نه تنها در

۲۸ ژوئن ۲۰۱۱

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده حمایت کنیم



**Free
Behnam**

که برای آزادی بی قید و شرط بهنام ابراهیم زاده از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

بهنام ابراهیم زاده در ۲۲ خرداد سال گذشته در حال مسافرت درون شهری در اتوبوس شرکت واحد که در حال عبور از مسیر میدان انقلاب بود، دستگیر گردید و هنوز با گذشت یکسال از بازداشتش وضعیت وی ناروشن و او همچنان در زندان است. در این رابطه خانواده بهنام طی نامه ای از همه نهادهایی بین المللی و انسانهای آزادیخواه خواهان حمایت و پشتیبانی و مبارزه برای آزادی وی از زندان شده اند. باید از این فراخوان وسیعاً حمایت کرد. بهنام ابراهیم زاده باید فوراً از زندان آزاد شود. متن فراخوان خانواده بهنام ابراهیم زاده ضمیمه است.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱ تیر ۱۳۹۰، ۲۲ ژوئن ۲۰۱۱

Shahla_daneshfar@yahoo.com
Bahram.Soroush@gmail.com

نامه سرگشاده خانواده بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی:

فرزندمان به چه جرمی محکوم به ۲۰ سال زندان است؟
مردم ایران و جهان، کارگران و زحمتکشان!
تمام کسانی که بهنام نیز مانند شما یک زحمت کش بود!
اتحادیه های کارگری که بهنام نیز مانند یکی اعضای شما یک کارگر بود!
بهنام ابراهیم زاده، فرزندمان

در ۲۲ خرداد سال ۸۹ سوار اتوبوس شرکت واحد در مسیر میدان انقلاب و ازادی دستگیر می شود. او برای اعتراض به دستگیری بی دلیل اش و حبس در سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین دست به اعتصاب غذا زد؛ در نتیجه این اعتصاب او دچار بیماری شدید گردید و عاقبت او را به بند ۳۵۰ اوین منتقل کردند. زمان اعتصاب غذایی به ۳ هفته متمادی کشید.

در دادگاهی که هیچ شباهتی به دادگاه و عدالت ندارد او به بیست سال زندان محکوم گردید که این حکم از بیسابقه ترین حکم های جمهوری اسلامی ایران است. طی این یک سال تمام تلاشمان بی حاصل ماند و فقط همان محکومیت بیست سال را از سازمان ها و نهادها شنیدیم. ما شاهد سیری شدن عمر عزیزمان در پشت درهای زندان منحوس اوین هستیم.

ما اکنون رو به تمامی انسانهای شریف و ازادی خواه ایران و جهان و تشکل های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق بشر آورده ایم. ما از همه ی کارگران و نهادهای کارگری میخواهیم که برای آزادی این عزیزمان که پدر فرزندی است و همسری تنها که چشم به راه وی هستند تلاش کنند. ما برای آزادی بهنام ابراهیم زاده امیدواریم و چشم انتظار کمک برای او و برای دیگر زندانیان سیاسی هستیم.

خانواده بهنام ابراهیم زاده
کارگر زندانی محکوم به بیست سال زندان

خرداد ماه ۱۳۹۰ - ایران

کارگران نساجی پر ریس سنندج ۷ ماه بدون حقوق

بنابه گزارش منتشر شده، تمامی ۵۰ تن از کارگران کارخانه نساجی پرریس سنندج ۷ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند.

دو کارگر مهاجر در رودخانه سیروان غرق شدند

بنابه خبر منتشر شده، دو کارگر جوان به نامهای بختیار ماریبی و آرمان کمانگر روز چهارشنبه ۱۵ ژوئن ۲۰۱۱ در رودخانه سیروان در کردستان عراق غرق شدند. افراد نامبرده از کارگران مهاجر بودند که مثل هزاران کارگر مهاجر در کردستان عراق شرایط سخت و طاقتفرسای کار و زندگی، هر روز آنها را با مرگ روبرو می کند.

احضار یدالله قطبی از دستگیر شدگان اول ماه مه ۱۳۹۰ سنندج

یدالله قطبی از فعالین کارگری سرشناس و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و یکی از چهره های مورد اعتماد در سنندج که ۴۰ سال از عمر ۶۰ ساله خود را در راه تلاش برای احقاق حقوق کارگران و هم طبقه ای هایش صرف کرده، طی احضاریه ای که از طرف دادگاه انقلاب سنندج برای وی ارسال شده باید در تاریخ ۲۲ تیر ۱۳۹۰ خود را به شعبه ۲ این دادگاه معرفی نماید.

لازم به ذکر است که نامبرده چند روز قبل از مراسم اول ماه مه به همراه سه تن دیگر از اعضای این کمیته به اداره اطلاعات احضار شدند و و پس از ۱۲ روز بازداشت با قرار وثیقه های ۵۰ و ۳۰ میلیون تومانی از اداره اطلاعات آزاد شدند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن این اقدام دستگاه قضایی خواهان توقف بی چون و چرای پیگرد های امنیتی و قضایی علیه کارگران و فعالان کارگری و آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران دربند می باشد.

کارگر ۱۴ ساله ای دچار حادثه شد

بنابه خبری که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری منتشر کرده است، روز دوشنبه ۲۳ خرداد، کارگر ۱۴ ساله ای به نام میلاد سلیمی در حین کار در ساختمانی در شهر سنندج، به دلیل نبود وسائل ایمنی کافی، از بالای سقف کرومین سقوط کرد و پای چپ او از دو ناحیه دچار شکستگی و دست راستش دچار بریدگی شد. میلاد به بیمارستان سنندج منتقل می شود و در مدت زمانی که در بیمارستان بود، صاحبکار هیچگونه اقدامی در مورد هزینه بستری و مداوی وی انجام نداد.

از طریق سایتی زیر به کتاب

یک دنیای بهتر

می توانید دسترسی پیدا کنید،

www.wpiran.org

حزب کمونیست کارگری ایران

آرشیو عمومی منصور حکمت

www.hekmat.public-archive.net



شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrsswift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فانتج بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

طرح ریاضت اقتصادی را نقش بر آب کنیم!

حکومت سرمایه داران و دزدان میلیاردی باز هم دارد به سفره خالی ما تجاوز میکند. میخواهد ریاضت اقتصادی را تحت عنوان "هدفمند کردن یارانه ها" به ما کارگران و مردمی که فی الحال زیر بار گرسنگی و فقر میچاله شده ایم تحمیل کند. میخواهند ما را از مصرف زیادی برخوردارند! شرم بر دزدهای میلیاردی که ثروتهایشان از کوه سنگین تر شده است و هنوز چشم طمع به سهم فقیرانه ما دوخته اند.

پاسخ ما روشن است. یارانه دولتی به کالاهای اساسی نه تنها نباید حذف شود، بلکه باید افزایش یابد. پاسخ ما امتناع دسته جمعی از پرداخت پول آب و برق است.

پاسخ ما طرح سراسری افزایش چندین برابر دستمزدها است. پاسخ ما دست زدن به تظاهرات و اعتصابات گسترده و سراسری است.

حکومت میداند که مردم خشمگین اند و زمزمه اعتراض بالا گرفته است. خودشان ترسیده اند. از شورش گرسنگان صحبت میکنند. دارند مزدورانشان را تقویت میکنند تا ما را از اعتراض و اعتصاب بترسانند. اما صفوفشان یکدست نیست. در کارخانه ها، دانشگاهها، مدارس، ادارات و محلات شهرها متحد شویم، متشکل شویم و بگوئیم غذا و پوشاک و مسکن و بهداشت و تفریح و در یک کلام زندگی انسانی حق مسلم ما است. خود را برای ریختن به خیابانها و تظاهرات و اعتصاب در سراسر کشور آماده کنیم و این طرح چپاولشان را هم نقش بر آب کنیم.

مرگ بر سرمایه داری و دولت اسلامی اش!

زنده باد سوسیالیسم!
حزب کمونیست کارگری ایران

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!